

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بازتایپ، ویراستاری، و ارسال از: دیپلوم انجنیر نسرين معروفی  
۳۰ دسمبر ۲۰۱۷

## دو نوع سیاست همزیستی مسالمت آمیز به کلی متضاد - ۳

دو نوع

سیاست همزیستی مسالمت آمیز

به کلی متضاد

ششمین تفسیر از نامه سرگشاده کمیته مرکزی  
حزب کمونیست اتحاد شوروی

هیأت تحریریه روزنامه "ژن ژیبائو" (مردم)  
هیأت تحریریه مجله "خون چی" (پرچم سرخ)  
(۱۲ دسمبر ۱۹۶۳)

چاپ اول ۱۹۶۴

چاپ دوم ۱۹۶۴

اداره نشریات زبانهای خارجی  
پکن [بیجینگ] ۱۹۶۴

خط مشی اصلی به اصطلاح "همزیستی مسالمت آمیز"  
رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی

این رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی است که واقعاً از سیاست لنینی همزیستی مسالمت آمیز عدول کرده است، نه ما.

رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی تعریف و تمجید از سیاست همزیستی مسالمت آمیز خود را به عرش می رسانند.  
نقطه نظر عمده آنها در مسأله همزیستی مسالمت آمیز کدام است؟

**یکم** - رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی معتقداند که همزیستی مسالمت آمیز برترین اصل برای حل مسائل اجتماعی معاصر می باشد. به گفته آنها همزیستی مسالمت آمیز "حکم قاطع زمان" و "خواست آمرانه دوران" (۱) می باشد. آنها همچنین می گویند: "همزیستی مسالمت آمیز بهترین و یگانه راه قابل قبول برای حل مهمترین مسائلی است که در برابر جامعه قرار دارد" (۲) و اصل همزیستی مسالمت آمیز باید "قانون اصلی و اساسی زندگی جامعه کنونی واقع گردد" (۳).

**دوم** - رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی عقیده مند اند که امپریالیسم هم اکنون آماده همزیستی مسالمت آمیز است و دیگر مانع آن نمی باشد. آنها می گویند: "اکنون بسیاری از دول و رجال دولتی کشورهای باختری به نفع صلح و همزیستی مسالمت آمیز برآمد می کنند" (۴) و "هرچه روشنتر ضرورت همزیستی مسالمت آمیز را درک می نمایند" (۵). آنها به خصوص تبلیغ می کنند که رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا "به عقلانی و طبق واقعیات بودن همزیستی مسالمت آمیز بین کشورهای دارای نظامهای اجتماعی گوناگون اعتراف دارند" (۶).

**سوم** - رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی "همکاری همه جانبه" با کشورهای امپریالیستی به ویژه با ایالات متحده آمریکا را توصیه می کند. آنها می گویند: دو کشور اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا "می توانند پایه ای برای اقدامات و مساعی هم آهنگ به خاطر سعادت تمام بشریت یابند" (۷) و "می توانند به خاطر تحکیم و برقراری همکاری حقیقی بین المللی بین همه کشورهای دست در دست هم به پیش روند" (۸).

**چهارم** - رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی "همزیستی مسالمت آمیز را خط مشی اصلی سیاست خارجی اتحاد شوروی و کلیه کشورهای اردوگاه سوسیالیستی می شمارد" (۹).

**پنجم** - رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی معتقد است که "اصل همزیستی مسالمت آمیز خط مشی اصلی سیاست خارجی حزب کمونیست اتحاد شوروی و سایر احزاب مارکسیستی - لنینیستی را تعیین می کند" (۱۰) و نیز "اساس ستراتیژی کمونیسم" در دوران معاصر است و کمونیستهای سراسر جهان باید "مبارزه به خاطر همزیستی مسالمت آمیز را اصل اساسی سیاست خود قرار دهند" (۱۱).

**ششم** - رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی به همزیستی مسالمت آمیز چون شرط مقدماتی پیروزی مبارزات انقلابی خلقهای کشورهای مختلف می نگرند. آنها معتقد اند که یک سلسله پیروزی های خلقهای کشورهای مختلف "در شرایط همزیستی مسالمت آمیز کشورهای دارای نظامهای اجتماعی گوناگون به دست آمده است" (۱۲). آنها می گویند: "به خصوص در شرایط همزیستی مسالمت آمیز کشورهای دارای نظامهای اجتماعی گوناگون انقلاب سوسیالیستی در کوبا انجام گرفت، خلق الجزایر به استقلال ملی خود دست یافت، بیش از ۴۰ کشور به استقلال ملی نائل آمدند، احزاب برادر استحکام و توسعه یافتند و نفوذ جنبش کمونیستی جهانی افزایش یافت." (۱۳)

**هفتم** - رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی معتقد اند که همزیستی مسالمت آمیز "بهترین وسیله کمک به جنبش انقلابی کارگری بین المللی در نیل به هدفهای اساسی طبقاتی آن" می باشد (۱۴). آنها می گویند: در شرایط همزیستی مسالمت آمیز امکان "گذر مسالمت آمیز کشورهای سرمایه داری به سوسیالیسم افزایش یافته است". در این باره آنها اعلام می دارند که پیروزی سوسیالیسم در مسابقات اقتصادی "به معنای ضربه مرگبار بر تمام سیستم مناسبات سرمایه داری می باشد" (۱۵). "هنگامی که مردم اتحاد شوروی از سعادت کمونیسم برخوردار می شوند باز هم چندین صد میلیون نفر از مردم روی زمین خواهند گفت: ما هوادار کمونیسم هستیم!" (۱۶) در آن وقت حتا سرمایه داران نیز "وارد حزب کمونیست خواهند شد".

حالا ببینیم این نقطه نظرهای رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی با سیاست لنینی همزیستی مسالمت آمیز چه وجه مشترکی دارد؟

سیاست لنینی همزیستی مسالمت آمیز سیاست کشورهای سوسیالیستی در مناسبات با دول دارای نظامهای اجتماعی گوناگون می باشد ولی خروشچف همزیستی مسالمت آمیز را بالاترین اصل زندگی جامعه کنونی قرار داده است. سیاست لنینی همزیستی مسالمت آمیز یکی از جوانب سیاست بین المللی پرولتاریا است که حکومت را به دست گرفته، اما خروشچف همزیستی مسالمت آمیز را به خط مشی اصلی سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی و حتا به خط مشی اصلی احزاب کمونیست سراسر جهان بسط داده است.

سیاست لنینی همزیستی مسالمت آمیز علیه سیاست تجاوز و جنگ امپریالیستی معطوف می باشد. اما "همزیستی مسالمت آمیز" خروشچف با نیازمندیهای امپریالیسم وفق دارد و آب به آسیاب سیاست تجاوز و جنگ امپریالیسم می ریزد.

سیاست لنینی همزیستی مسالمت آمیز از مبارزه طبقاتی در صحنه بین المللی سرچشمه می گیرد، اما "همزیستی مسالمت آمیز" خروشچف به معنای جا زدن همکاری طبقاتی در مقیاس بین المللی به جای مبارزه طبقاتی می باشد. سیاست لنینی همزیستی مسالمت آمیز بر مبنای رسالت تاریخی پرولتاریای بین المللی استوار است و این از کشورهای سوسیالیستی می خواهد که ضمن اجرای سیاست همزیستی مسالمت آمیز از مبارزات انقلابی کلیه خلقها و ملل ستمدیده جداً پشتیبانی کنند ولی "همزیستی مسالمت آمیز" خروشچف به معنای جا زدن پاسیفیسم به جای انقلاب جهانی پرولتاریا و دست کشیدن از انترناسیونالیسم پرولتری می باشد.

خروشچف سیاست همزیستی مسالمت آمیز را به سیاست تسلیم طلبی طبقاتی مبدل ساخته است. او زیر پرده همزیستی مسالمت آمیز به اصول انقلابی بیانیه سال ۱۹۵۷ و اعلامیه سال ۱۹۶۰ پشت پا زده روح انقلابی را از مارکسیسم - لنینیسم بیرون کشیده است و تا جایی مارکسیسم - لنینیسم را تحریف نموده و دگرگون ساخته است که دیگر سیمای آن شناخته نمی شود.

این خیانت آشکار گستاخانه به مارکسیسم - لنینیسم می باشد!

## سه اختلاف اصولی

اختلافات رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی با ما و کلیه احزاب مارکسیستی - لنینیستی و مارکسیست - لنینیستها در مسأله همزیستی مسالمت آمیز بر سر این نیست که آیا کشورهای سوسیالیستی باید سیاست همزیستی مسالمت آمیز را به موقع اجراء گذارند یا نه، بلکه اختلاف اصولی بر سر این است که برخورد صحیح به سیاست لنینی همزیستی مسالمت آمیز چگونه باید باشد.

این اختلاف اساساً در سه مسأله زیر ظاهر می شود.

**مسأله اول:** به منظور دست یافتن به همزیستی مسالمت آمیز آیا مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع بورژوازی لازم است یا نه؟

آیا همزیستی مسالمت آمیز می تواند ضدیت بین سوسیالیسم و امپریالیسم و مبارزه بین آنها را برطرف کند یا نه؟

مارکسیست - لنینیستها همواره معتقد اند که برای همزیستی مسالمت آمیز بین کشورهای دارای نظامهای اجتماعی گوناگون هیچ مانعی از طرف کشورهای سوسیالیستی وجود ندارد. موانع در سر راه اجرای همزیستی مسالمت آمیز همیشه از طرف امپریالیسم و ارتجاع بورژوازی به وجود می یابد.

اصول پنجگانه همزیستی مسالمت آمیز در مقابل سیاست تجاوز و جنگ امپریالیسم مطرح گردید. این اصول پنجگانه همزیستی مسالمت آمیز نقض تمامیت ارضی و حق حاکمیت دیگر کشور ها، مداخله در امور داخلی آنها، لطمه زدن به مصالح و تساوی حقوق آنها و افروختن جنگ تجاوزکارانه را از مناسبات بین المللی حذف می کند. اما تجاوز به کشور ها و ملل دیگر و به اسارت کشیدن آنها ناشی از خود سرشت امپریالیسم می باشد. تا زمانی که امپریالیسم وجود دارد سرشت آن تغییر نخواهد کرد. بدین جهت امپریالیسم بر حسب سرشت خود به هیچ وجه نمی خواهد اصول پنجگانه همزیستی مسالمت آمیز را قبول کند. امپریالیسم برای از هم پاشیدن و حتا محو کردن کشورهای سوسیالیستی و برای تجاوز به کشور ها و ملل دیگر و به اسارت درآوردن آنها از کلیه امکانات استفاده می کند.

تاریخ نشان می دهد: امپریالیستها تنها به علت عوامل عینی نامساعد گوناگون است که در بر افروختن جنگ علیه کشورهای سوسیالیستی خود را به خطر نمی اندازند و یا ناچار به عقد متارکه می شوند و تا حدودی به همزیستی مسالمت آمیز تن در می دهند.

تاریخ همچنین نشان می دهد: بین کشورهای امپریالیستی و کشورهای سوسیالیستی همواره مبارزات حاد و بغرنجی جریان دارد و گاهی حتا به تصادمات مسلحانه و جنگ مستقیم کشانده می شود. امپریالیستها در تمام مدت پس از پایان دومین جنگ جهانی هنگامی که مشغول جنگ گرم نیستند همواره جنگ سرد را دنبال می کنند عملاً کشور های امپریالیستی و سوسیالیستی در حال جنگ سرد باهم به سر می برند. کشور های امپریالیستی ضمن تشدید توسعه تسلیحات و تدارک جنگ در زمینه های سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژی و غیره با توسل به هر وسیله علیه کشورهای سوسیالیستی مبارزه کرده و حتا از تحریکات نظامی و تهدیدات جنگی اباہ نمی کنند. جنگ سرد امپریالیسم علیه کشور های سوسیالیستی و مبارزه کشور های سوسیالیستی علیه جنگ سرد این تظاهر مبارزه طبقاتی در مقیاس جهانی است. امپریالیستها نه تنها علیه کشورهای سوسیالیستی مبارزه می کنند بلکه در سراسر جهان نقشه تجاوز و جنگ خود را به موقع اجراء می گذارند و در همه جا جنبش انقلابی و ملل ستمدیده را سرکوب می نمایند.

در چنین شرایطی کشورهای سوسیالیستی نمی توانند به اتفاق خلقهای بقیه کشورها به قاطعیت علیه سیاست تجاوز و جنگ امپریالیسم مبارزه نکنند، نمی توانند با امپریالیسم با روش مشت در مقابل مشت مبارزه به عمل نیاورند. این مبارزات طبقاتی که گاهی حدت یافته و گاهی آرام می شود اجتناب ناپذیر است.

ولی خروشچف این واقعیات سرسخت را نادیده گرفته لجوجانه تبلیغ می کند که امپریالیسم به ضرورت همزیستی مسالمت آمیز اعتراف کرده است و همچنین مبارزات کشورهای سوسیالیستی و خلقهای سراسر جهان علیه امپریالیسم را متضاد با سیاست همزیستی مسالمت آمیز می شمرد.

به نظر خروشچف حتا در هنگامی که امپریالیسم و ارتجاع بورژوازی کشورهای سوسیالیستی را مورد تهدید نظامی و حمله مسلحانه قرار داده و در خواستهای توهین آمیزی که به حق حاکمیت و حیثیت کشورهای سوسیالیستی زیان می آورد مطرح می سازد، کشورهای سوسیالیستی همچنان باید پی در پی عقب نشینی نموده گذشت و باز هم گذشت نمایند.

درست بر اساس همین منطق است که خروشچف گذشتهای قدم به قدم و معامله با اصول و قبول بنده وار درخواستهای توهین آمیز امپریالیسم امریکا را در جریان بحران دریای کارائیب از طرف خود "پیروزی همزیستی مسالمت آمیز" نامیده است.

درست بر اساس همین منطق است که خروشچف پافشاری چین روی اصول صحیحی در مسأله مرزی چین و هند و مقابله تدافعی آن را با حملات مسلحانه ارتجاع هند که در وضع تحمل ناپذیری انجام گرفته بود نقض "همزیستی مسالمت آمیز" می نامد.

گاهی خروشچف نیز از مبارزه بین دو نظام اجتماعی ناهمگون دم می زند ولی او به این مبارزه چگونه می نگرد؟ خروشچف می گوید: "باید کاری کرد تا مبارزه اجتناب ناپذیر بین آنها (یعنی بین دو سیستم - توضیح مترجم) فقط به صورت مبارزه بین دو ایدئولوژی درآید." (۱۷)

در اینجا دیگر مبارزه سیاسی در بین نیست!

خروشچف همچنین می گوید: "اصل لنینی همزیستی مسالمت آمیز با کشورهای دارای نظامهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گوناگون به طور ساده به معنای عدم جنگ نبوده و به معنای وضع ناپایدار متارکه موقتی نمی باشد بلکه حفظ مناسبات دوستانه اقتصادی و سیاسی بین این کشورها را در نظر گرفته و برقراری و پیشرفت اشکال مختلف همکاری مسالمت آمیز بین المللی را پیشبینی می کند." (۱۸)

در اینجا هیچ گونه مبارزه دیده نمی شود!

خروشچف مانند شعبده باز ماهرانه حادثه بزرگی را به حادثه کوچک و حادثه کوچکی را به هیچ مبدل می سازد. ضدیت ریشه نی بین سیستم های سوسیالیسم و سرمایه داری را ماست مالی و تضاد اصلی بین اردوگاه سوسیالیستی و اردوگاه امپریالیستی و مبارزه طبقاتی را در مقیاس بین المللی روپوشی می نماید و همزیستی مسالمت آمیز بین دو سیستم و دو اردوگاه را به "همکاری همه جانبه" تبدیل می کند.

**ادامه دارد**